

آچارکشی

حالت زن وشوهری

● **پوریا عالمی** : رئیس سازمان حفظ نباتات گفت: «حتما در سال جاری با طغیان ملخ روبه‌رو هستیم». بعد از اعلام این خبر کشاورزان سکنه کردند و جیغ کشیدند. اما رئیس سازمان حفظ نباتات گفت: نگران نباشید. «آمادگاه‌های مبارزه با آفات - به‌ویژه ملخ - از کارایی لازم برخوردار نیستند و کاملا قدیمی اند». خوشبختانه الان نسبت ما با مسئولان مثل نسبت زن و شوهر است. چرا؟ چون مادر ما از قدیم می‌گفت زن و شوهر بعد از یک عمر زندگی با هم مثل هم می‌شوند و دیگر نیازی نمی‌بینند به هم دروغ بگویند. مثلا اول ازدواج وقتی طرف پول در نمی‌آورد، هیچ‌وقت شفاف و صریح به همسرش نمی‌گوید من بی‌کار هستم و پول ندارم. هی می‌گوید به‌زودی جورش می‌کنم. اما بعد از چندسال زندگی با هم، طرف دیگر دلیلی نمی‌بیند خالی ببندد و همان اول آب پاکی را می‌ریزد روی دست همسرش و می‌گوید پول ندارم؟ چته؟ الان هم ما این‌طوری شدیم با مسئولان. یعنی حس خاصی نسبت به‌هم نداریم اما دلیلی هم برای جدایی نمی‌بینیم. از آن طرف دولت می‌آید می‌گوید مردم بارانه‌شان را بگیرند. مثل اینکه طرف به همسرش بگوید خرجی بگیرد. بعد دولت می‌گوید هرکی نرفته سربازي بیاید یک پولی بدهد و دیگر نرود. مثل اینکه طرف بچاهش زده باشد شیشه همسایه را شکسته باشد و شب هم خانه نیامده باشد، اما باباش بگوید پسرم اگر یک ماشین برای من بخری اوکی است. الان ما و مسئولان این‌طوری هستیم و حالت زن‌وشوهری داریم. این حالت اصولا بعد از حالت ازدواج است که موقع انتخابات ریاست جمهوری بین مردم و مسئولان به وجود می‌آید و کاندیداها با هر شیوه‌ای که بلدند می‌آیند که نظر مردم را جلب کنند. دقیقا حالت ازدواج هم همین‌طوری است؛ این‌طرف هفت‌قلم آرایش و موهاش را می‌زامبیلی می‌کند. آن‌طرف لباس پلوخوریه را می‌پوشد و موهاش را عروسکی‌شانه می‌کند. جفتشان هم می‌دانند این حالت همیشگی نیست و بعد از رأی‌دادن و ازدواج قضیه‌ش‌ل می‌شود. حالا هم که رئیس سازمان حفظ نباتات گفته با طغیان ملخ روبه‌رو هستیم. مثل این است که طرف بیاید خانه بگوید شب یک لشکر میهمان داریم. بعد همسر طرف غش کند. منتها طرف بگوید: نگران نباش. من هنوز بی‌کار هستم و درآمدی ندارم و کسی هم دیگر بهم پول قرض نمی‌دهد. بعد همسر طرف می‌گوید: خب مرد حسابی با این لشکر بدون آمادگی قبلی چطوری مواجه شوم؟ طرف هم می‌گوید: حالا خودت یک کاریش یکن دیگر. بارانه‌ات را بگیر. (این قصه تا ابد بین ما و مسئولان ادامه دارد...).

# شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۳۰ آذر ۱۳۹۴ • ۹ ربیع‌الاول ۱۴۳۷ • ۲۱ دسامبر ۲۰۱۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۷۵ • ۲۰ صفحه  
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۲ • اذان مغرب ۱۷:۱۵ • اذان صبح فردا ۵:۴۰ • طلوع آفتاب ۷:۱۰

روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

فیروزه مظفری

firoozeh.mozaffari@gmail.com



یادداشت

## هندوانه شب‌چله



محمود برآبادی

بیار ببینم». مادرم یک نگاه به من انداخت و سرش را تکان داد. پدرم گفت: «نگران نباش! من یک بار هندونه خریده‌ام برای همین روزه». پدرم هر بار که می‌گفت روی کلمه بار خیلی فشار می‌آورد. خلاصه پدرم هرروز به یک بهانه‌ای یکی از هندوانه‌ها را استاد می‌کرد. شب چله که شد مادرم مثل هر سال خاله و شوهرخاله و بچه‌هایش را دعوت کرد میهمانی. همه دور کرسی نشسته بودیم و از این طرف و آن‌طرف حرف می‌زدیم و تخمه می‌شکستیم. خاله‌ام گفت: «چقدر امسال هندونه گرون شده!» شوهرخاله‌ام گفت: «گرونی بخوره تو سرش. اصلا گیر نمیداد!» پدرم گفت: «عوضش من آخر تابستون یک بار هندونه خریدم برای شب چله که خیالم راحت باشه». بعد رو کرد به من و گفت: «بچه! برو از زیرزمین دوتا از اون درشتاشو سوا کن بیار.» من این پا، آن پا کردم. گفت: «بچه! چرا وایستادی؟! من چون کوچک‌ترین بچه خانه بودم امربر بودم و اسمم بچه بود. گفتم: «آخه زیرزمین تاریکه».

گفت: «فانوس ببر!»

گفتم: «بابا آخه فانوس توی یک دستم چطوری دوتا هندونه با اون‌یکی دست بیارم؟» گفت: «اون زنبیل بزرگه را ببر بذار اون تو! عقل هم خوب چیزیه!» فانوس توی یک دستم و زنبیل توی دست دیگرم رفتم زیرزمین اما هندوانه‌ای نبود. تندى برگشتم. پدرم وقتی چشمش به من افتاد، گفت: «ها چی شد؟ آوردی؟» گفتم: «نیست بابا». گفت: «چی؟ یک بار هندونه تموم شد! خوب گشتی؟ نکنه ترسیدی نرفتی زیرزمین». شوهرخاله‌ام گفت: «بیا بشین عموجون، شب چله هندونه هم که نخوریم چیزی نمیشه... انار که هست». پدرم گفت: «نه آخه من باید بدونم به بار هندونه چطو شده». مادرم گفت: «معلومه چطو شده». ولسی حرفش را پدرم خودش را از تک‌وتا نینداخت و گفت: «یادم باشه سال دیگه دوتا بار هندونه بخرم».

گزارش فردا

## یادی از تهران قدیم در شب چله امسال



این مراسم است، به «شرق» می‌گوید که قرار است مراجعان «ارگ تجاری» که یک مال بزرگ در شمال میدان تجریش است، شب چله‌ای متفاوت و تا حدودی نوستالژیک را تجربه کنند: «در گوشه‌گوشه این مال قرار است اتفاق‌های تازه‌ای بیفتد: برگزاری پرفورمنس، ایجاد خرده فضاها و اینستالیشن با همکاری بیش از ۷۵ بازیگر برنامه‌ای است که ما برای یلدا ترتیب داده‌ایم». حمید پورآذری یکی از کارگردانان موفق تئاتر ایران این بار به دنبال بازسازی خاطره تهران قدیم و مراسم‌های شب چله‌ای‌اش در یک مجتمع تجاری است تا حاضران در این مکان، شب یلدایی متفاوت را تجربه کنند. به گفته مستقیمی، اقتصاد قلب تپنده مجتمع‌های تجاری است و اجرای چنین برنامه‌هایی می‌تواند، فرهنگ و آداب و رسوم اصیل ایرانی را هم جاشنی خرید روزانه مردم کند: «برای سه شب قرار است در ارگ جدید تجریش کاری متفاوت با همیشه انجام دهیم و به همین دلیل هنرمندانی که قرار است در این شب‌ها با ما همکاری داشته باشند با دست پر در مواجهه با مردمی قرار می‌گیرند که آمده‌اند خرید کنند». عروسک هفت متری شهزاد قصبه‌گو، بازیگرانی که در نقش‌های مختلف و لباس‌های تاریخی سعی می‌کنند مخاطبان را جذب خود کنند و احتمالا قصه‌خوانی و بخش موزیک، تجربه‌ای تازه از یلدا را رقم خواهد زد؛ تجربه‌ای که بی‌شابهت به همان اقتصاد یک دقیقه‌ای شب چله نیست.

شرق: یلدا یکی از آن جشن‌های ملی است که فرهنگ را با اقتصاد گره می‌زند؛ از فرهنگ دوره‌هم‌نشستن، قصه‌خواندن و دیدوبازدید اقوام گرفته تا اقتصاد آجیل و لیو و انار و هندوانه. حالا سال‌هاست که چراغ دل ایرانی‌ها در شبی، مثل امشب به امید دقیقه‌ای بیشتر فرصت‌داشتن روشن می‌شود و دل می‌سپارند به قصه‌های هزارویک شبی. امسال اما برنامه‌هایی که برای یلدا در نظر گرفته شده کمی متفاوت است؛ گسترش استفاده از اینترنت، برخی گروه‌های اجتماعی را بر آن داشته است برای درک هر چه بهتر شرایط زندگی خانوادگی و آشنایی با مصادیق خانوادگی، دست به کار راه‌اندازی کمپین «شب چله بدون اینترنت» شوند. از ساعت هفت امشب تا آخرین دقیق شب یلدا اینترنت‌های گوشی و لپ‌تاپ‌هایشان را خاموش کنید و به جمع خانواده بییونید تا مصمیمت‌ها رنگ‌ورویی یلدایی به خود بگیرند. اما اگر رفته‌ید به خیابان‌های شهر، وضع کمی فرق می‌کند، به باتوق کتاب‌فروشی‌های شهرها بروید و برای بچه‌هایتان کتاب‌های قصه بخرید، همان قصه‌های قدیمی و تکراری، اما فراموش‌نشدنی. این هم کمپینی است که به راه افتاده تا شب یلدا با فرهنگ اسطوره‌ای آن که قصه‌خوانی بوده، گره بخورد. در تهران یک برنامه متفاوت هم قرار است برگزار شود؛ اعضای گروه حمید پورآذری می‌خواهند در یک مرکز خرید بزرگ، شما را با گریه‌ها و بازی‌های خود غافلگیر کنند. شمیم مستقیمی که مسئول برگزاری

# سامسونگ

## SAMSUNG



✓ تلویزیون‌های 4K UHD TV سامسونگ ۱۵۰۰ دارای ۸ میلیون پیکسل واقعی می‌باشند.

✗ تلویزیون‌های UHD غیر واقعی ارزان قیمت دارای ۶ میلیون پیکسل می‌باشند.

✓ 4K UHD TV سامسونگ با استفاده از ذرات نانو کریستال که فاقد ماده مضر کادمیوم است قابلیت نمایش طیف بسیار گسترده‌ای از رنگ‌ها را دارد.

✗ در ساخت UHD ارزان قیمت از تکنولوژی WRGB که ترکیب پیکسل مرده با ۳ رنگ اصلی است استفاده شده است.



۸ میلیون پیکسل



۶ میلیون پیکسل

## بیشتر ببینید ، بهتر حس کنید

SAMSUNG 4K UHD TV

نمایش نانو کریستال

فقط با خدمات سامسونگ  
۸۲۵۵-۰۲۱